

کبوترخانه‌های ایران،

درهم آمیزی

زیبایی



وکارآیی

پس از کاربدهای ایران که یکی از شگفت‌آورترین دست‌ساخته‌های تاریخی بشر بر روی این کرهٔ خاکی هستند، کیوتراخانه‌های ایران دومین و مهم‌تری تأسیسات کشاورزی در چند قرن گذشته به شمار می‌رفته‌اند.

کیوتراخانه‌ها که هنوز هم قلمرو دقیق آنها ناشناخته مانده، از نظر شمار، وسعت، عظمت، پیچیدگی، نحوهٔ ساخت و ویژگی‌های معماری در جهان بی‌نظیرند. این کارخانه‌های بی‌آوازه مرغوب‌ترین کود شناخته شده، اگرچه نظر غالب سفرنامه‌نویسان و سیاحانی که از اصفهان و پیرامون آن گذشته‌اند را به خود جلب کرده است از قدیم‌الایام تاکنون به طرز باور نکردنی از چشم پژوهشگران ایرانی حتی آنان که اختصاصاً دربارهٔ اصفهان کتاب نوشته‌اند مخفی مانده است. اهمیت کیوتراخانه‌ها در اقتصاد کشاورزی ایران چنان بوده که غازان خان مغول در کنار سایر اقدامات خود برای احیای کشاورزی ایران فرامینی را دربارهٔ آنها صادر کرده است. با توجه به ارزش اقتصادی و مزملتی که کیوتراخانه‌ها داشته‌اند، در عصر صفوی اجازهٔ ساخت آنها به ایرانیان غیر شیعه داده نمی‌شد.

در ساخت کیوتراخانه‌ها از علوم و فنون زیادی منجمله ریاضیات و هندسه، فیزیک، جانورشناسی و روان‌شناسی جانوری و آب و هواشناسی استفاده می‌شده، در کیوتراخانه‌ها شیوهٔ به‌کارگیری این علوم و فنون نیز شگفت‌انگیز است.

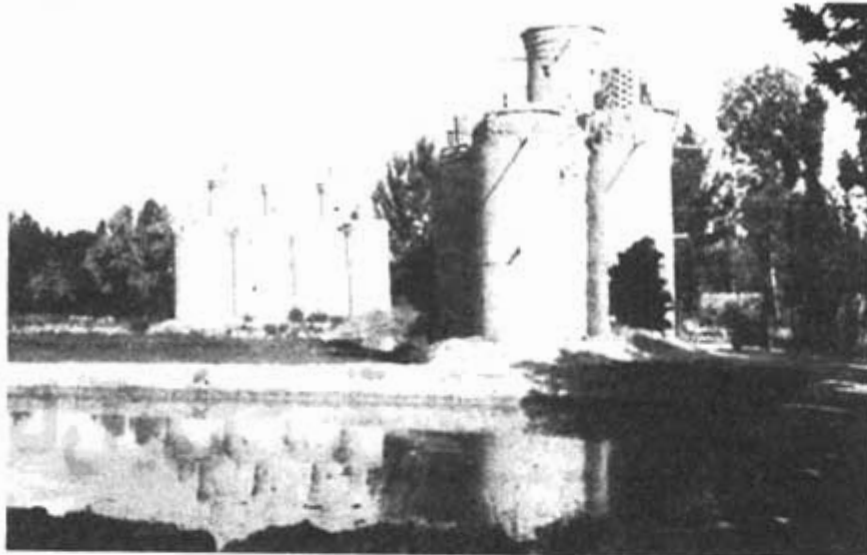
از آنجا که کیوتراخانه‌های ایران، با وجود اهمیت تاریخی، اقتصادی، هنری و فرهنگی‌ای که دارند، متأسفانه به دلایل گوناگون به سرعت در حال نابودی و ویرانی‌اند، این نوشتار می‌کوشد تا با معرفی جنبه‌های مختلف کیوتراخانه‌ها در خانه پیشنهاداتی را نیز برای حفظ و احیاء آخرین بازمانده‌های موجود مطرح سازد.

«من بر این باورم، ایران کشوری است که بهترین کبوترخانه‌های جهان در آن ساخته می‌شود...» ژان شاردن

پس از مسأله «کاربره‌های ایرانی که بکسی از شگفت‌آورترین دست ساخته‌های بشری بر روی این کره خاکی به شمار می‌رود و سزاوار است اگر به آنها برتر از برخی عجایب هفت گانه عالم نگاه شود؛ و متأسفانه برای اغلب خوانندگان ایرانی و در کل جامعه ایرانی ناشناخته مانده‌اند، کبوترخانه‌های ایران مهم‌ترین تأسیسات کشاورزی ایران در چند قرن گذشته بوده‌اند.

کبوترخانه‌ها که هنوز هم قلمرو دقیق آنها در کشور پهناور ما به خوبی شناخته نشده است، حداقل از کناره‌های شرقی دریاچه ارومیه تا کویر یزد و مید و برخی روستاهای نطنز و کاشان (۱) و به روایتی در جنوب خراسان و طبس (۲) در گوشه و کنار شهرها و آبادی‌های ایران وجود داشته و در برخی مناطق هنوز نیز وجود دارند. گرچه کبوترخانه‌ها در شهر نیز با اندک تفاوتی ساخته می‌شدند ولی از نظر ساخت و کارکرد از جالب‌ترین وجوه معماری روستایی ایران به شمار می‌آیند.

کبوترخانه‌های ایران از نظر تعداد، بزرگی، پیچیدگی و تکامل معماری در جهان بی‌نظیرند. با تمام این اوصاف، این بناهای شگفت‌آور و کارخانه‌های ساحت مرغوبترین کوه شناخته شده در جهان که نظر اغلب سفرنامه‌نویسان و سیاحانی که از اسفهان و نجف‌آباد و قمه (شهرضا) گذشته‌اند را به خود معطوف داشته است به طرز باور نکردنی از چشم پژوهشگران و نویسندگان ایرانی از قدیم‌الایام تاکنون، حتی آنها که اختصاصاً درباره اسفهان کتاب نوشته‌اند، مخفی مانده است (۳) حتی در کتاب‌هایی که ظاهراً ویژگی‌های منطقه‌ای اسفهان را مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند (۴) و یا سرشماری‌های کشاورزی (۵) که قاعدتاً باید نسبت به چنین تأسیسات و مواردی حساس باشند، این اعضاء به چشم می‌خورد، استثناء بر این قاعده، کتاب تاریخ



- کبوترخانه یازده فلو در روستای اجمره اسفهان

- دو برج چند قلو در اجگره اسفهان



اصفهان اثر میرزا حسن خان جابر است که در یک سطر به مناسبتی از اجاره کبوترخانه‌ها سخن به میان می‌آورد (۶).

اهمیت کبوترخانه‌ها در اقتصاد کشاورزی ایران چنان بوده که غازان خان مغول در کنار سایر اقداماتی که برای احیای کشاورزی ایران انجام داده، فرامینی جهت حفظ و نگهداری کبوتران و کبوترخانه‌ها صادر کرده است. وی بازرداران و دیگر عمده دولت را از اینکه کبوتران را از روستاییان بگیرند منع و قدغن کرده است که هرچا برج کبوتری وجود دارد دام نگذارند:

«... و پادشاه اسلام چون قوشجیان را از گرفتن کبوتر و مرغ مردم منع فرموده و آنرا در وجه طیور خاصه معین گردانید... و نیز حکم پربلیغ (۷) روانه فرمود تا هرکجا که برج کبوتری باشد، صیادان البته دام نهند» (۸).

اهمیت اقتصادی و منزلت کبوترخانه‌ها چنان بوده که در عصر صفوی اجازه ساخت آنها حتی به ایرانیان غیر شیعه داده نمی‌شده است:

ژان شاردن سیاح مشهور فرانسوی می‌نویسد: «کلیه کسانی که مایل به داشتن کبوترخان باشند به استثنای سکنه‌ای که متدین به مذهب رسمی کشور نیستند، می‌توانند آنرا بسازند... فقط مالیات کود می‌پردازند» (۹).

همانگی علم و هنر در معماری شگفت‌آور کبوترخانه‌های ایران:

کبوترخانه‌های ایران از نقطه نظر بزرگی، گنجایش فوق‌العاده، دارا بودن اشکال متنوع و گوناگون بیرونی شکل بسیار تکامل یافته و نظام گرفته و خیال‌انگیز فضاهای داخلی که به مراتب پیچیده‌تر و زیباتر از شکل ظاهری و بیرونی است، واجد وجوه استثنایی است. برای اعتلای کارکرد کبوترخانه‌ها علوم و

تمهیدات ویژه‌ای به کار رفته است به نحوی که همخوانی متوازی از علم و هنر در کالبد کبوترخانه‌ها پدیدار شده است.

تجهیزات دفاعی کبوترخوان:

هرکبوترخان مانند یک دژ نظامی باید در برابر همه دشمنان کبوتر که تعداد آنها کم هم نیستند، مقاوم و نفوذناپذیر باشد این نفوذ ناپذیری نه تنها باید قوش، قرقی، جغد، کلاغ، گربه و روباه و تاحدی آدمیزاد را دربر گیرد، بلکه مار و موش را نیز شامل گردد. موش اگرچه مستقیماً دشمن کبوتر به شمار می‌رود اما با عمل کانال‌سازی خود در زیر پی‌ها، می‌تواند از طریق زیرزمین راه را برای ورود مار به داخل کبوترخانه‌ها فراهم آورد.

افزون بر این، ساختمان کبوترخانه باید چنان محکم و ضد تشدید (رزنانس) بنا گردد که در مقابل ارتعاشات و زلزله تشدید باینده‌ای نه از ارتعاشات پوسته زمین بلکه از پرواز همزمان و دسته جمعی گاه بیش از چهارده هزار کبوتر، در اثر برخاستن صدا و یا ترسیدن کبوتران و... مقاوم باشد. از این‌رو، شاید کبوترخانه‌های ایران نخستین ساختمان‌های ضد زلزله جهان باشند، و بنا دارد از این نظرگاه توسط اهل فن مورد توجه و مطالعه قرار گیرند.

برای پیشگیری از ورود پرندگان مزاحم و مهاجم به کبوترخان، در کبوترخانه‌های ایران و به ویژه در نمونه‌های گلیاگان و خمین، لانه‌های ورودی کبوتر (کبوتررو) کاملاً حساب شده و گاه به وسیله نیوشه‌هایی استاندارد، بنا شده‌اند. چنانچه کبوتررو کمی بزرگتر از حد معمول باشد، سایر پرندگان شکاری و مزاحم به کبوترخانه رخنه می‌یابند و اگر این نبوشه‌ها از حد معمول کوچکتر باشند، کبوتران بزرگتر قادر بر ورود راحت در آن نخواهند بود.

برای جلوگیری از بالا رفتن گربه و مار، در برج‌های مدور به شیوه اصفهان از نوار و یا نوارهایی از گچ در کمر برج و در نمونه‌های خمین، گلیاگان و خوانسار علاوه بر این نوار، از فرورفتگی‌هایی در

(۱). بر پایه کارهای میدانی نویسنده و سفارش اطلاعات به دانشجویان درس مردم شناس و جامعه شناسی روستایی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.

(۲). - آندره گذار، پداگذار، ماکسیم سیرو و... آثار ایران، جلد سوم، ترجمه ابوالحسن سرو قد مقدم، انتشارات آستان قدسی، ص ۶۳.

(۳). - از خوانندگان آگاه خواهشمندم که به شیوه مرضیه یاریگری اگر اطلاع یا اسنادی از دربار تا امروز درباره کبوترخانه‌های ایران در اختیار دارند، آنرا به نشانی: تهران، صندوق پستی ۱۷۲۲۵/۱۲۷ یا نویسنده این مقاله در میان نهد تا با به نام خودشان در کتاب «کبوترخانه‌های ایران» استفاده شود، انشاءالله.

منظورما از استاد کبوترخانه‌ها، قبایله‌های خرید و فروش، اجاره نامجمعه‌ها، سیاهه خرج ساخت و با تعمیر و شکاپاتی با نام و اشاره به کبوترخانه‌ها یا شکاپاتی برسر آنها و یا وقف‌نامه کبوترخانه‌های وقفی، کبوترخانه‌های امامزاده‌ها و غیره است.

(۴). - نویسندگان دفنی از قدیم و جدید مانند: الف- مسفل بن سعد بن الحسینی المافروخی الصفهانی: محاسن اصفهان، به تصحیح و کوشش سیدجلال الدین تهرانی، تهران، بی تاریخ، شرکت نسبی اقبال و شرکاء.

ب- محمد مهدی بن محمد رضا الصفهانی: نصف جهان فی تعریف الصفهان، به تصحیح و تحشیبه منوچهر ستوده، تهران، ۱۳۶۸، امیرکبیر.

ج- لطف‌الله هنرفر: اصفهان، تهران، ۱۳۵۶.

د- لطف‌الله هنرفر: اصفهان در دوره حاشینان تیمور، تهران، ۱۳۵۵، انتشارات جمعه هنر و مردم.

ه- ابوالقاسم ربیعی مهرآبادی: آثار ملی اصفهان، تهران، ۱۳۵۲، انتشارات انجمن آثار ملی.

و- عباس بهشتیان: بخشی از گنجینه آثار ملی اصفهان، ۱۳۲۲، بی‌ناشر.

ز- مسجول المؤلف : گاهی به اصفهان و باهدای تاریخی آن انتشارات سررای مرکزی حسن در هرازویان تصدیس سال سیانگذاری شاهنامی در ایران.

(۲) - برای سوه یک به :

اصطلاحات معیبه تجلیلی از ویژگیهای منطقی‌های دراپران (مطالعات نمونه اصفهان). تهران. ۱۳۵۳. انتشارات دانشگاه تهران.

(۵) - سرنمای عمومی کشاورزی ۱۳۰۷ (فرهنگ آبادهای کشور. استان اصفهان). تهران، ۱۳۶۹، مرکز آمد ایران.

(۶) - میرزا حسن خان انصاری : تاریخ اصفهان (بخش نخست) به اهتمام حمید سروشیان. اصفهان. ۱۳۵۸. ص ۶۲.

(۷) - یرلیق وازه‌ای است مغولی و به معنای فرمان. فرمان پادشاه. فرمان مکتوب پادشاه (نسخه شریک امسی). فرهنگ اصطلاحات دیوانی دوران مغول تهران. ۱۳۵۷. فرهنگستان ادب و هنر ایران. ص ۲ و ۲ (۲۶۳).

(۸) - رشیدالدین فصل الله. تاریخ مبارک غازانی. به تصحیح و اهتمام کارل زیان. هرتورود. ۱۳۵۸. هفی (۱۹۲۰). ص ۳۶۸.

(۹) - ژان شاردن : سیاحتنامه شاردن. ترجمه محمد عباسی. تهران. ۱۳۵۰. امیرکبیر. جلد چهارم ص ۱۲۳.

(۱۰) - درباره این تله تک به :

مرتضی فرهادی : کیوترخانه. کتاب روستا ش ۵ (تیرماه ۱۳۴۸). دانشسرای عالی سیاه دانش. ص ۲۹ و ۳۰ - بسا در نامه گمره. جلد دوم. فصل اول (کیوترخانه‌های گمره). تهران. ۱۳۶۹. امیرکبیر.

(۱۱) - تک به :

مرتضی اسماعیلی : هرومن‌های جنسی و مبارزه با آفات. مفاهمه سینه. ش ۱۴ (آوردی ۱۳۶۸). ص ۸۸.

نیش‌های مکعب مستطیلی کیوترخانه‌ها و گاه نهیدات دیگر استفاده می‌کنند. رنگ سفید نوار و نوارهای گچی علاوه بر زیبایی. به جلب کیوتران کمک می‌نموده است. احياناً به مرور کیوتران چاهی نیز نسبت به این رنگ بازتاب شرطی از خود نشان داده‌اند. نصب تله مارگیر که خود به تنهایی ابداع خلاقانه‌ای به شمار می‌رود در کیوترخانه‌های خمین (۱۰) گلپایگان و خوانسار نیز رایج بوده است. امروزه در فن‌آوری‌های کشاورزی، برای دفع آفات، فکر استفاده از بو و هرمون برای راندن و یا به دام انداختن حشرات مطرح شده است. اکنون دانسته شده است که جانوران برای برقراری ارتباط بین افراد گونه خود و حتی با گونه‌های دیگر از مواد شیمیایی خسردهنده، مثل «آلومن‌های» (Allomones) دورکننده و فرار دهنده استفاده می‌کنند. (۱۱)

در گذشته از این فکر برای فرار دادن برخی از دشمنان کیوتر استفاده می‌شده است. برای مثال در کیوترخانه‌ها از بوی برخی جانوران مانند گرگ، کفتار و بوی برخی از گیاهان مانند کندر و سداب استفاده می‌شده است. در برخی از روستاهای گلپایگان و خمین سرگرگ و کفتار را در کیوترخانه می‌گذاشته‌اند. برای نمونه در رباط ابوقاسم گلپایگان تا همین چند سال پیش سرکفتاری در یکی از کیوترخانه‌های آن محل وجود داشته است. (۱۲)

در کتاب عجایب المخلوقات طوسی مربوط به قرن ششم آمده است:

«... کیوترا حلیه (۱۳) وزیره و نانخواه (۱۴) سود دارد، کندر نه (کندره کندرو) در برج وی بسوزانند سود دارد... اگر چند دسته سداب، (۱۵) در برج نهند، دله و گریه و مار از آن گریزه» (۱۶).

در کتاب عجایب المخلوقات قزوینی مربوط به قرن هفتم در ذیل «دلق» (دله) آمده است:

«دلق حیوانیست او را دله خوانند وحشی بود و هرگز دست‌آموز نشود و به گریه ماند... و دشمن کیوتر بود و در برخی رود و یکی را رها نکند... اگر موی او را در خانه کیوتر دخان (دود) کنند همه بگریزند...» (۱۷)

در همین کتاب در ذیل خفاش آمده است:

«... اگر سر او (خفاش) را در برج کیوتران اندازند، در آن برج الفت گیرد و از آنجا نرود» (۱۸)

در کتاب نوادرالتبا در لنه‌الیهادر آمده: «سرگرگ در برج کیوتر بیابریزد گریه آنجا نرود» (۱۹)

گذشته از این در مناطقی که آب فراوان و زمین کشاورزی ناباب بوده است مانند کناره‌های زاینده‌رود و نهرهای منشعب از آن (مادی‌ها)، معماران مهندس و ریاضی‌دان ایرانی کوشیده‌اند در مکان‌هایی که برای رفت و آمد و پرواز کیوتران مشکلی فراهم نیآورده، برای اعتدالی سطح آسپانه‌سازی از طریق افزایش سطح نسبت به حجم بالاترین استفاده از فضای موجود را به عمل آورند. در نتیجه با ساختن کیوترخانه‌های شودر نو و مضاعف، دو یا چند کیوترخانه را در یک کیوترخانه قرار دهند. این کار در عین حال به مقاومت بنا در مقابل عوامل ویرانگر و از آنجمله زلزله و زرناس برخاسته از بال‌زدن یکباره کیوتران افزوده و بالاخره به عایق‌سازی آن در برابر گرما و سرما مدد می‌رساند. (۲۰)

علاوه بر موارد فوق، تعدد طبقات و اطباق‌های داخل کیوترخانه‌ها ساخت و تعمیر این ابنیه را تسهیل می‌نماید. (۲۱)

در کیوترخانه‌های خمین و گلپایگان که با شیوه اصفهانی تفاوت چشمگیر و کسلی دارد، برای جلوگیری از ویرانی کیوترخانه در برابر امواج تشدید یافته در اثر بال‌زدن یکباره کیوتران (به ویژه آنکه در این گونه کیوترخانه‌ها همه این امواج یک کاسه می‌شود) دیواره‌های جانبی کیوترخانه با تیرهای چوبی زیادی به یکدیگر کلاف شده‌اند. (۲۲)

به طور کلی به هنگام احداث کیوترخانه‌ها، افزون بر مسأله تأمین امنیت و آرامش کیوتران که در درجه اول اهمیت قرار داشته است، به علائق و نیازمندی‌ها و در یک کلمه به آسایش آنها نیز توجه بسیار شده است. محل استراحت و نشستگاه‌هایی در خارج و داخل کیوترخانه تعبیه شده که از نظر گرما و سرما در تابستان‌ها بادگیر و خنک و در زمستان‌ها گرم و از وزش بادهای سرد در امان باشد، در مناطق خشک و کم‌آب اگر کیوترخانه به آب‌های جاری

- (۱۲) - کارمیدانی نگارنده
 (۱۳) - حبله: سنبله. سنبله (لغت نامه دهخدا).
 حرف هجاء عن ۷۷۲.
 (۱۴) - نانجرا: سیاهانه، سیاهنخمه (همان منبع).
 حرف هجاء عن ۲۷۳.
 (۱۵) - گیاهی است از تیره سدلیان (روتراسه). در
 تنکابن و دلم پیو گویند. همان منبع. حرف س. ص
 ۳۶۷.
 (۱۶) - محمد بن محمود احمد طوسی: عجایب
 المخلوقات، سه کوشش منوچهر ستوده. تهران،
 ۱۳۴۵، نگاه ترجمه و نشر کتاب. ص ۵۲۲.
 (۱۷) - زکریا بن محمد بن محمود المکرمونی القزوینی:
 عجایب المخلوقات، به تصحیح و مقاله نصرالله
 سبحی. تهران (بر تاریخ)، کتابفروشی مرکزی. ص
 ۲۱۴.
 (۱۸) - همان منبع. ص ۲۵۳.
 (۱۹) - شمس الدین محمدابن امین الدین ایوب
 دبستری: نوادر التیادر تحفة البهادر، سه کوشش
 محمد تقی دانش یزوه و ایرج افشار. تهران، ۱۳۵۰،
 بنیاد فرهنگ ایران.
 (۲۰-۲۳) - کارمیدانی نگارنده (مشاهده، مصاحبه و
 استندراک)
 (۲۴) - سفرنامه ابن بطوطه: ترجمه محمد علی
 موحد، جلد اول تهران، ۱۳۵۹، نگاه ترجمه و نشر
 کتاب. ص ۱۱۲.
 (۲۵) - زان شاردن: همان منبع، جلد چهارم، ص
 ۱۲۲ و ۱۲۳.
 (۲۶) - رفد. و کبوترخانه‌های اصفهان. دانستیها،
 سال دوم، ش ۴۵، ص ۱۲.
 (۲۷) - سفرنامه اوزن فلاندن به ایران: ترجمه
 حسینی نور صادقی. تهران، ۱۳۵۶، انتشارات اشرافی.
 ص ۶۲۸.
 (۲۸) - جرج. ن. لردکرون: ایران و قضیه ایران، جلد



- پشت بام کبوترخانه مزرعه چهاربرج اصفهان

- دو برج در مزرعه چهاربرج اصفهان



دسترسی نداشت در وسط آن چاهی را به آب رسانیده و جایگاهی برای آشخور کیوتران می ساختند. در این بناها زیبایی و عملکرد چنان بهم آمیخته اند که از یکدیگر جدایی ناپذیر به نظر می آید. در احداث آن از علوم همچون فیزیک، توجه به اصل تشدید (رزانس)، هندسه و ریاضیات برای به حداکثر رسانیدن سطحی در حجمی ثابت، جانورشناسی، روانشناسی جانوری در ایجاد تجهیزات دفاعی کیوترخان، و تمهیدات مکانیکی، بیولوژیکی و شیمیایی برای مبارزه با دشمنان کیوتره آب و هواشناسی، گیاهشناسی و غیره استفاده شده است. (۲۳)

- درون کیوترخانه های سبک گلپایگان - خمین - خوانسار



نظر برخی سیاحان و سفرنامه نویسان درباره کیوترخانه های اصفهان:

سیاحان بسیاری به کیوترخانه های ایران اشاراتی کرده اند که ما در این جا تنها به نقل برخی از آن نوشته ها می پردازیم. تا حد اطلاع ما اولین سفرنامه نویسی که درباره کیوترخانه های ایران سخن به میان آورده است، ابن بطوطه مراکشی است. وی در حدود پنج قرن قبل (۲۷۷ سال پیش) در سفر طولانی خود کیوترخانه ها را بین راه قریه «فیلان» و اصفهان دیده است:

«فیلان، قریه بزرگی است که روی رودخانه عظیمی ساخته شده و در کنار آن مسجد بسیار زیبایی وجود دارد... آن روز را نیز از وسط باغها و آبها و دبه های زیبا که برج های کیوتر زیادی داشت، به مسیر خود ادامه دادم و پسین روز به اصفهان رسیدیم» (۲۴)

حدود دو قرن بعد شاردن فرانسوی با دقت زیادی به این مسأله می پردازد. در میان سیاحانی که در قرن هفدهم به ایران آمده اند «ژان شاردن» بیش از دیگران به شناسایی دقیق از ایران نایل آمده است. او یک جلد از ده جلد سیاحتنامه خود را به اصفهان پایتخت آنروز ایران، اختصاص داده است و همانطور که خود گفته: اصفهان را بهتر از پاریس می شناخته است. در مورد مسایل کشاورزی و اهمیت گودورزی در اقتصاد کشاورزی ایران و هم چنین کیوترخانه های اصفهان شرح او دقیق تر از دیگر سیاحان است:

«در کلیه نواحی امپراطوری ایران کیوترهای اهلی و وحشی وجود دارد؛ ولی کیوتر وحشی به مقدار بسیار کثیری مشاهده می شود و چون فضله این پرند برای خریزه زار گود بسیار خوبی به شمار می آید، در سرتاسر کشور با مواظبت و دقت شایان توجهی تعداد عظیمی کیوتر پرورش داده می شود.

من عقیده دارم که ایران مملکتی است که بهترین کیوترخانه های جهان در آنجا ساخته می شود. تصویری از اینها را به دستور من کشیده اند... ایسین کسفرخانهای عظیم شش بار بزرگتر از بزرگترین پرورشگاه های ما (فرانسویان، اروپائیان) است. اینها را

از آجر بنا می کنند و رویش گچ و آهک می کشند و در تمام سطوح داخلی دیواره بنا از بالا به پایین سوراخ هایی احداث می کنند، تا کیوتران در آنها آشیانه نمایند... به استثنای سکنه های که متذین به مذهب رسمی کشور نیستند، می توانند آتراسازند...

در حوالی اصفهان بیش از سه هزار کیوترخان می شمارند، و تمامی اینها چنانکه من دیده ام بیشتر برای تحصیل کود ساخته شده است. نه برای پرورش و تغذیه کیوتران.

ایرانیان فضله این پرند را «چلغوزه» می نامند که به معنی محرک و مقوی می باشد دوازده لیور این کود را بیک بیستی (Bisty) می فروشند که معادل تقریباً چهار «سو» (Sou) است از این بسایت مالیات مختصری به شاهنشاه پرداخت می شود...» (۲۵)

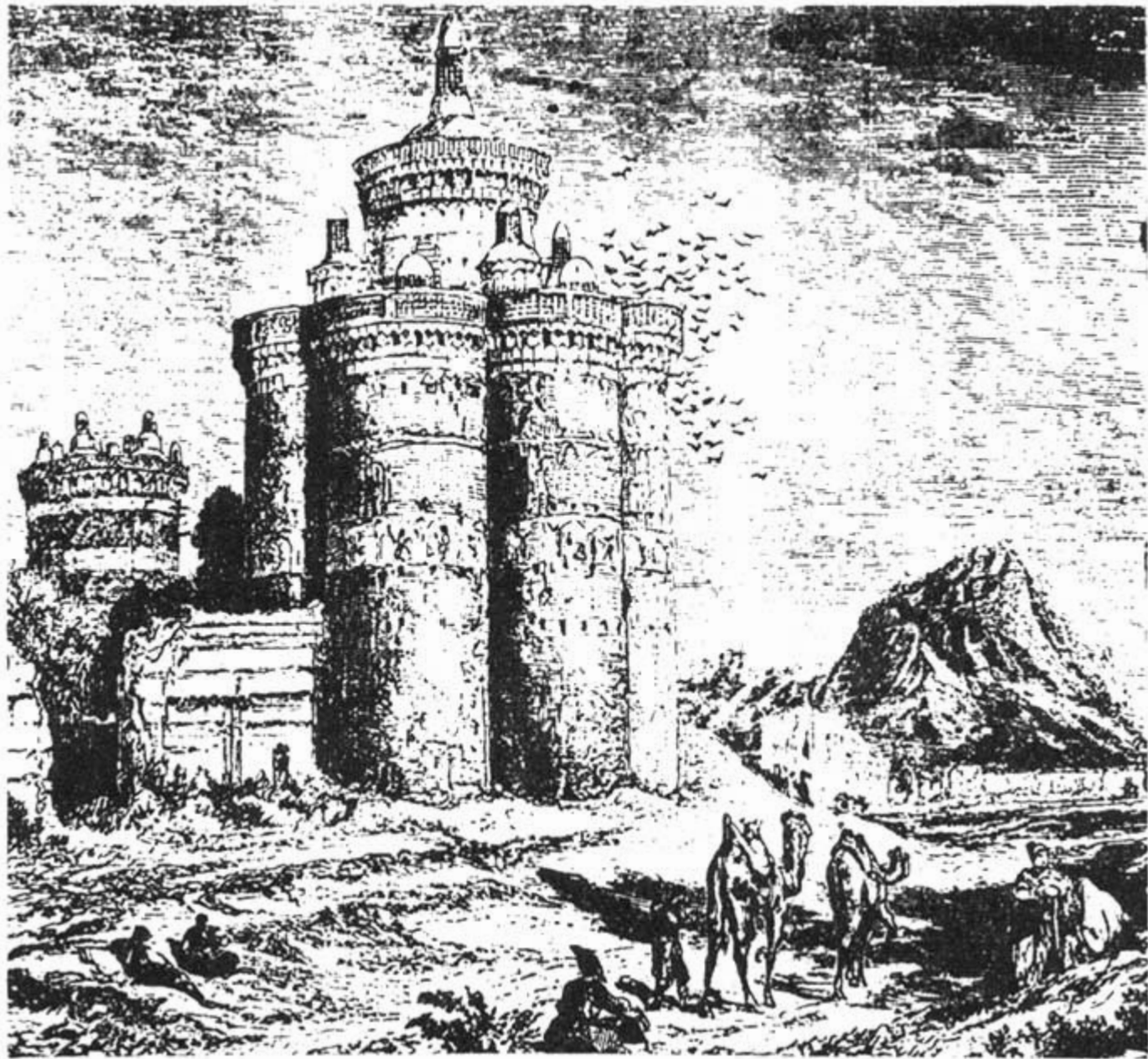
لازم است بدانیم که از کود کیوتر تنها در کشت خریزه استفاده نمی شو و میوه های پرتنگ و سیو و خوشمزه ایران و اصفهان هر یک به اندازه ای مدیون این کیوترخانه ها بوده اند، که در جایی دیگر به آن خواهیم پرداخت.

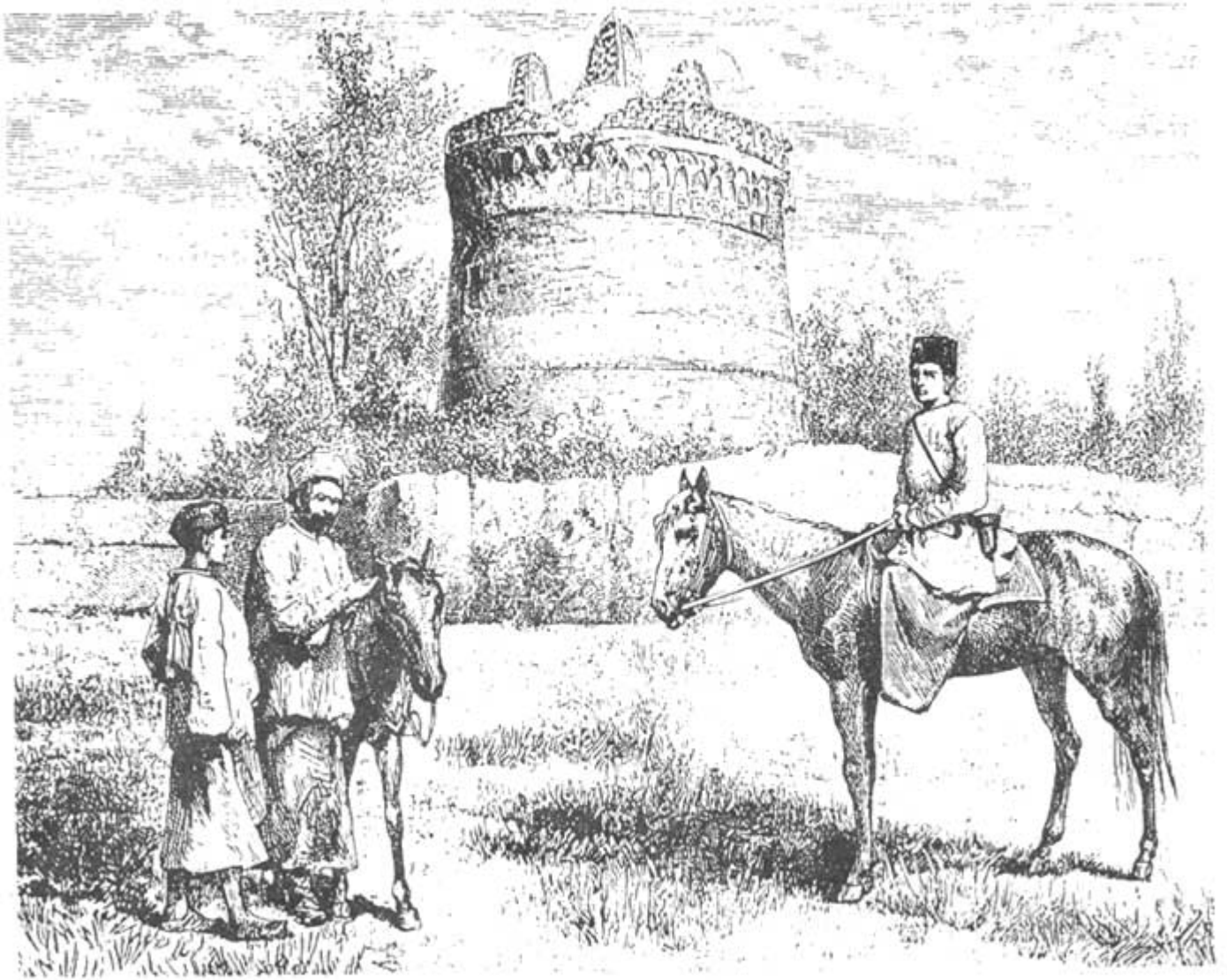
«توماس هربرت» درباره مردم اصفهان و کیوترخانه های آن می نویسد: «اگرچه خانه هایشان نظیف بود، ولی به هیچ وجه قابل قیاس با خانه کیوترانسان (برج های کیوتر) که ظاهری عجیب دارند نبود...» (۲۶)

«اوژن فلاندن» که در زمان محمدشاه قاجار (۱۲۱۹-۱۲۲۱ ه.ق.) به ایران سفر کرده می نویسد: «ما بین جلفا و خرابه ها، چندین برج یافت می شود. این برج ها انسان را به خود جلب می دارند... خیلی بزرگ، محکم و فشنگنده» (۲۷)

«کروزن» می نویسد: «در حوالی شهر اصفهان جالب ترین چیزی که دیده می شود، عدّه زیادی برج گسرد با ستاره کوچکی است که بر رأس آن ساخته اند...» (۲۸)

«مریت هاکس» می نویسد: «مسافرت در میان کوه های بلند و روشن و عبور از صحراهای زیبا و کوچک و گذشتن از دشت های زرد و سبز، دل انگیز است. دهکده های دوردست از برکت وجود درختان





کمونرخانه‌ی اصفهان از دیدگاه سیاحان

با طراوت بودند. برج‌های کیوتو خانی که از مختصات این منطقه از ابران است عجیب و جالب می‌نمود...» (۲۹)

فرد ریچاردز عضو انجمن سلطنتی نقاشان و حکاکان انگلستان در حدود هفتاد سال پیش می‌نویسد: «یکی از برجسته‌ترین و شگفت‌انگیزترین چیزها، در حول و حوش اصفهان؛ برج‌های گرد و بلندی است که قسمت فوقانی آنها دارای برج‌های زیبا و دل‌انگیزی می‌باشد...» (۳۰)

آرنورپوپ ابرانشناس معروف نیز در کتاب «هنر و معماری ایران» دربارهٔ کیوتورخانه‌های اصفهان می‌نویسد: «دورنمای پیرامون توابع اصفهان هنوز با مناظر سدیع دورتادور آبادی شهر سقوط است (برج‌های کیوتو) همانند ناجی است که با کنگره‌ها و قبه‌های گلفهشتگی (۳۱) و آراسته و تزئین شده باشد... از نظر آرایش هنگامی که از نزدیک دیده شوند کمی متروک، ولی با فاصله‌ای نه چندان زیاد، یک دورنمای باشکوه دارند.» (۳۲)

«الیزابت بیژلی» (۳۳) می‌نویسد: فقط ساختمان تجسمی و دلفریب و شاهکاری که در داخل این برج‌ها به کار رفته ارزش و اهمیت آزاد دارند که هیبت‌هایی برای دیدن آنها به اصفهان بیایند. حتی اگر سلجوقیان و شاه‌عیاس کبیر هم ساختمان‌هایی در این شهر باشکوه و جلال برپا نکرده بودند...» (۳۴)

باهمهٔ این تعریف و با وجود اینکه برخی از این کیوتورخانه‌ها به اندازه یک ساختمان چهار و یا پنج طبقه بلندی داشته و تعداد آشیانه‌های آنها به بیش از ده‌هزار می‌رسد و کارساخت آنها امروزه با میلیون‌ها نومن پول و سال‌ها وقت و با مهندسی مهندسان ایتالیا رفته ما مسیر نیست همگی به سرعت رو به نابودیند.

هانری رنه دالمانی می‌نویسد: «در پاره‌ای از این برج‌ها چهارده هزار کیوتو به راحتی می‌توانند زندگی کنند.» (۳۵) تازه این گنجایش برج‌های معمولی‌تر اصفهان است. در اصفهان و در مزرعه چهار برج آن کیوتورخانه‌ای است که مرکب از بیست و پنج برج در داخل یک کیوتورخان و بیش از ده هزار آشیانه کیوتو



دو برج در مزرعه چهار برج اصفهان

است که می‌تواند بیش از چهل هزار کیوتو و جوجه کیوتو را همزمان در خود جای دهد.

این کیوتورخانه با وجود سالمی نسبی آن به خاطر مراقبت‌های انجام شده در بهار سال ۱۳۷۱ بجز کیوتوری که احياناً به وسیله قوش یا قرق، تازه در آن کشته شده بوده، حتی یک کیوتو نیز وجود نداشت. (۳۶)

این کیوتورخانه‌ها که می‌توانستند در سطح کشور سالیانه به اندازهٔ صدها کارخانه عظیم کود شیمیایی که کار آنها در نهایت و در درازمدت و جز متحجر کردن زمین و مسموم کردن خاک و آب و زندگان روی زمین از گیاه تا انسان بیست، (۳۷) کود آلی عالی غیرقابل جایگزینی حتی با کودهای حیوانی تهیه نمایند. (۳۸)

دوم، ترجمه غ. وحید مازندرانی تهران، ۱۳۵۰، بگانه ترجمه و نشر کتاب، ص ۳۲.

(۲۹) - مسرت هاسکس : ایران، افسانه و واقعیت (حاطرات سفر به ایران)، ترجمه محمد حسین نظری نژاد، محمد تقی اکبری، احمد نمائی، مشهد، ۱۳۶۸، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، ص ۱۶۹

(۳۰) - فرد ریچاردز : سفرنامهٔ فرد ریچاردز، ترجمه مهین دخت صبا، تهران، ۱۳۲۲، بگانه ترجمه و نشر کتاب، ص ۷۳

(۳۱) - گلفهشتگ، آسی که در فروریختن از جای بلندی یخ بسته باشد، مانند یخ زیر ناودان (لغت‌نامه دهخدا، حرف و گاه، ص ۳۸۱).

(32) - Arthar upham pope. p.1200.

(33) - Elisapeth Beazley

(۳۲) - رضا عرفان، با همکاری باقر آیت الله زاده شیرازی و عباس بهشتیان : آثار یاستانی گننام اصفهان. بدون تاریخ، ص ۱۲، ادارهٔ کل اطلاعات و جهانگردی استان اصفهان، ص ۱۲

(۳۵) - هانری رنه دالمانی، سفرنامهٔ از خراسان تا بختیاری، ترجمهٔ فروشی، تهران، ۱۳۳۵، امیرکبیر - ابن سینا، ص ۹۹۸

(۳۶) - کار میدانی نگارنده.

(۳۷) - در این مورد نک به :

دیل چارتز و اورژان والتس : بحران جهانی کشاورزی، ترجمهٔ مهندس پرویز چاپچی، تهران، ۱۳۵۴، بگانه ترجمه و نشر کتاب.

(۳۸) - نک به جدول مقایسه ترکیبات مواد غذایی کودهای دامی و انسانی در : مهندس رحمت الله شیبانی : کود و طرز استعمال آن، تهران، ۱۳۲۸، بگانه شیبانی.

جز این در آمد اقتصادی آنها می توانستند درآمدی اگر نه به اندازه جاه‌های نفت ما اما بسیار دیرپای‌تر از آن تنها از طریق بازدید سیاحان و جهانگردان برای ما داشته باشند.

اگرچه کیوتراخانه‌های ایران از جنبه‌های گوناگون تاریخی، تاریخ علم و اقتصاد کشاورزی، فرهنگی به ویژه هنری و معماری دارای اهمیت فراوان هستند. اما متأسفانه تاکنون هیچ‌کاری در خور عظمت آنها انجام نشده است.

هرروز که می‌گذرد گویی برجی از این برج‌ها در اثر بی‌توجهی اخلاف سازندگان و دارندگان کیوتراخانه‌ها و پشت‌کنندگان به میراث فرهنگی ارزشمند خویش و فرهنگ بومی دوراندیش که کیوترا چاهی را حمایت می‌کرد و شکار آنها را بدشگون می‌دانست، پای در گل به نوحه جغدان جامه بر تن می‌درند و هر از چند گاهی یکی از آنها با نعره‌ای بر زمین می‌غلطند.

پیشنهادهای به سازمانها و وزارت خانه‌های ذیربط

لازم است تا پیش از این دیر نشده باشد، اندیشه‌ای برای بازمانده این کیوتراخانه‌ها به عمل آید. نویسنده این سطور که بیش از ربع قرن است که از دور نزدیک شاهد مسایل و مشکلات و ویرانی پیگیر و روزافزون کیوتراخانه‌های ایران است پیشنهاداتی را به مسئولین امر وزارت خانه‌ها و سازمان‌های که ماهیناً ذیربط با کیوتراخانه‌ها هستند ارائه می‌دهد.

مخاطب ما در این مورد در قدم اول سازمان حفظ محیط زیست، و در قدم بعدی وزارت خانه‌های کشاورزی جهاد سازندگی، ارشاد اسلامی، معاونت امور سیاحتی و زیارتی و سازمان‌هایی نظیر میراث فرهنگی کشور، معاونت سیاحتی بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی و دانشکده‌های باستان‌شناسی، معماری و از این قبیل است.

۱- شرط اول قدم : متأسفانه اغلب در گذشته کار سازمانها و وزارت خانه‌های ما، کسبی برداری از برنامه‌های کشورهای مرجع بوده که طبیعتاً این امر مسائل خاص خود را به‌همراه داشته است. اینک لازم است تا نسل کیوترا چاهی ایران به طور کلی نابود نشده است سازمان حفاظت محیط زیست این پرنده بومی را که سرناسر کشور پهناور ایران زیستگاه طبیعتش بوده است (۳۹) و جهانپان آنرا نشانه صلح و آشتی می‌شاسند و به درستی هم بی‌آزارترین پرنده روی زمین است و در روایات اسلامی نیز به عنوان «سرغان پیامبران»، دعا کرده حضرت نوح (ع) نگاهدارنده خانه از یلایا، گریزاننده شیاطین، دوست داشتنی، بارمؤمن، انس آفرین و برکت خواننده برای صاحبش توصیف شده، (۴۰) و در فرهنگ عامیانه ایران، پری، خسرواری که ستم‌یدگان، عشاق و درماندگان را نجات‌بخش و راهنما است، خواننده شده، (۴۱) و در تاریخ کشاورزی ما پرنده‌ای اقتصادی است و احياناً برخلاف کیوترا اهل و تعلیم یافته کیوترازان، بسیار «موک» (رمنده و تیزبین) و گریزان از شلوغی و سروصدا است و آزارش حتی به پرندگان غول‌پیکر فلزین بال باد در تنوره انداز هم نمی‌رسد را، در کنار «گرگ و گراز» و اگر ما را منع نمی‌کردند «مار و عقرب»، حفاظت شده اعلام فرمایند. چرا که نابودی کیوتراخانه‌ها در وهله اول به خاطر نابودی و کشتار دسته جمعی کیوترا چاهی بوده که شکار گوساله بسته و شکار شاهانه‌ای است که نمونه‌ای از آن را «آدام اولتاریوس» توضیح داده است، (۴۲)

۲- در قدم بعدی، تمامی وزارت خانه‌ها و سازمان‌های ذیربط با مسایل کشاورزی، فرهنگی، محیط زیست و جهانگردی در سطوح بالا با یکدیگر همکاری و همکاری مستمر در جهت شناسایی و شناساندن اهمیت و نقش کیوتراخانه‌ها، و برنامه‌ریزی برای حفظ و احياناً ترویج آن به عمل آورند.

۳- از سوی سازمانها و وزارت خانه‌ها پادشده در بالا، تا افزوده شدن به شمار کیوترا که دلیل اصلی ویران کیوتراخانه‌هاست، هر ساله به صاحبان برج‌ها

مبلغی در خور که کارشناسان برآورد خواهند کرد به عنوان هزینه نگهداری این بناها بپردازند.

۴- اغلب این کیوتراخانه‌ها که اماکنی تاریخی‌اند و بین یک تا چند قرن قدمت دارند، توسط سازمان میراث فرهنگی کشور با کمک مراکز علمی دست‌اندرکار رشته‌های باستان شناسی و معماری مورد شناسایی قرار گرفته تا نمونه‌هایی که از نظر قدمت تاریخی و معماری جالبتر هستند مورد حفاظت، مرمت و احیاء قرار گیرند.

۵- وزارت خانه‌هایی که دست‌اندرکار مسایل کشاورزی و ترویج آن هستند، از تبلیغ بی‌امان کودهای شیمیایی که غالباً نیز به شکل و شیوه بی‌حساب و کتاب از آنها استفاده می‌شود دست بردارند. چرا که امروزه هر کشاورز روستایی ما بر اهمیت چنین کودهائی بی‌برده است و حالا دیگر روزگار تعمیق کار کودورزی در ایران است و نه تبلیغ کودهای شیمیایی که در شرایط فعلی عرضه آن کمتر از تقاضای آن است. اینک باید به روش‌های کار آمد کودورزی سنتی (۲۳) و از روی آورد و در کنار کاربرد روی «کرم‌خانه» ها (کرم‌پروری برای استفاده از کود آنها) و از این قبیل تبعات که در جای خود جای سپاسگزاری هم دارد کمی هم به کیوتراخانه‌ها بپردازند. به قول قدیمی‌ها : «از راه برو، بیره سرو هرچند که راهت دور با (باشد)». (۴۴)



برون کیوترخانه‌های سبک گلپایگان، خمین، خوانسار

(۳۹) - نگ به :

درک اسکات، حسین مروج همداغ، علی ادعسی
میرحسینی : پرندگان ایران، تهران، ۱۳۵۴، سازمان
محیط زیست ایران، ص ۱۸۷ و ۱۸۸ و صفحه ۳۷۲
شش، ۱۴۰.

(۴۰) - نگ به :

علامه مجلسی : حلیۃ المتنبیین، فصل در نگاهداشتن
حیوانات در خانه خصوصاً کبوتر و حروس، و.
علامه مجلسی : بحارالانوار، جلد چهاردهم، ترجمه
مسجد باقر بهیودی، تهران، ۱۳۵۲، گشایفروشی
اسلامیه، ص ۲۵۷-۲۶۷

(۴۱) - مرتضی فرهادی : زمینه‌های فرهنگی پیدایش
کبوترخانه‌ها در ایران دستانه.

(۴۲) - نگ به :

آدام اولتاریوس : سفرنامه اولتاریوس، ترجمه احمد
بهیود، تهران، ۱۳۶۳، سازمان انتشاراتی و فرهنگی
اشکار، ص ۳۷۱

(۴۳) - نگ به :

مرتضی فرهادی - هشبه‌های سنتی بهوزی زمین در
کشاورزی ایسوان، ماهنامه سنبله، ش ۶۶، ۶۰
(اردیبهشت - آذر ۱۳۷۳)

(۴۴) - برای مثال نگ به :

پرویز مهاجر میلانی : دکرم‌های زبانه حواره، ماهنامه
زیتون، ش ۴۷ (تیرماه ۱۳۶۶) ص ۵۹-۵۸

- داخل کیوترخانه درشهابیه خمین

